

توجه: این سوالات توسط «گروه جهادی مقاومت» تنظیم و پاسخ‌های آن از بیانات رهبر معظم انقلاب استخراج شده است. برخی از کلمات اضافه شده توسط گردآورنده و یا سایت khamenei.ir بین دو علامت [] آورده شده است.

«مقاومت»: این روزها بواسطه تحریم‌های ظالمانه آمریکا و غرب و نیز معضلات موجود در مدیریت اقتصادی، مردم با مشکلات معیشتی زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. راه برون رفت از این بحران را چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

«رهبر معظم انقلاب»: انتظار به حق مردم ما، این است که از یک اقتصاد شکوفا برخوردار باشند، رفاه عمومی باشد، طبقه‌ی ضعیف از وضعیت غیرقابل قبول خارج بشود، از مشکلات نجات پیدا کند؛ اینها انتظارات مردم ما است و این انتظارات به حق است؛ اقتصاد کشور نیازمند یک حرکت جدی و یک کار بزرگ است ۹۴/۱/۱ [لکن] با گفتن و حرف زدن حل نمی‌شود؛ اقدام و ابتکار و عمل لازم است. ۹۴/۲/۹

در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه وجود دارد. یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیتهای درون کشور و درون مردم تأمین کنیم. ظرفیتهای بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیتهای استفاده نشده است یا درست استفاده نشده است؛ از این ظرفیتهای استفاده کنیم؛ [یعنی] اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی که مایه‌ی خود و ماده‌ی خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد.

نگاه دوم به اقتصاد کشور نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزها است؛ می‌گوید سیاست خارجی‌مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند، تحمیل قدرتهای مستکبر را در بخشهای گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان رونق پیدا کند؛ این هم نگاه دوم است. امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است... امروز خارجی‌ها و رؤسای قدرتهای مستکبر میخواهند همین نگاه دوم را در مردم ما تقویت کنند. ۹۴/۱/۱

«مقاومت»: علت ناکارآمدی نگاه دوم چیست؟ به خصوص آنکه بخشی از مشکلات پیش آمده ناشی از تحریم‌های هدفمند دولت‌های غربی است. به نظر حضرت‌تعالی نمی‌توان با تعدیل در سیاست خارجه این فشارها را کاهش داد؟

«رهبر معظم انقلاب»: کشوری که اقتصاد خودش را بسپرد دست سیاست‌گذاران و طراحان و برنامه‌ریزان خارج از محدوده‌ی مصالح او، حال آینده‌ی آن کشور معلوم است. کشور باید با نیروی درونی اداره بشود؛ با نیروی انسانی ما، هوش جوانان ما، با اینها باید اداره بشود؛ اگر این شد، هیچ قدرتی در دنیا قادر نخواهد بود که سرنوشت اقتصادی کشور را یا هر آنچه به اقتصاد کشور ارتباط پیدا میکند، در دست بگیرد و ملعبه‌ی خودش قرار بدهد. ۹۳/۷/۳۰ همین تحریمهایی که امروز علیه ملت ایران اعمال میشود، دلیل محکم و متقنی است بر غلط بودن این نگاه؛ یعنی شما وقتی که به امید قدرتهای خارجی نشستید تا آنها بیایند اقتصاد شما را رونق بدهند و با زیر بار آنها رفتن، اقتصاد را رونق بدهید، آنها به حد کم قانع نیستند. وقتی که شما نگاه میکنید به بیرون، مواجه میشوید با یک مسئله‌ای مثل کاهش قیمت نفت؛ ناگهان قدرتهای مستکبر با همراهی ایادی منطقه‌ای خودشان متأسفانه به این نتیجه میرسند که قیمت نفت را به نصف و گاهی کمتر از نصف برسانند؛ شما مواجه میشوید با یک چنین مشکلی؛ وقتی نگاه به بیرون باشد، این

است. وقتی شما نگاه به درون کردید، دیگر این جور نیست. ۹۴/۱/۱ [از سوی دیگر] تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله‌ی هسته‌ای است، نه مسئله‌ی حقوق بشر است، نه مسائل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم میدانند، ما هم میدانیم؛ علت، استقلال‌خواهی ملت ایران است؛ علت، داشتن یک حرف نو بر پایه‌ی مبانی اسلام است که برای کشورهای دیگر و ملت‌های مسلمان الگو خواهد شد؛ میدانند که اگر جمهوری اسلامی در این عرصه‌ها و میدانها موفق شد، دیگر جلوی رشد این حرکت را در دنیا نمیشود گرفت و این یک حرکت مهمی است؛ مسئله این است. حالا بهانه یک روز انرژی هسته‌ای است، یک روز غنی‌سازی است، یک روز حقوق بشر است، یک روز حرفهایی از این قبیل است. ۹۲/۱۲/۲۰

«مقاومت»: بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی معتقدند تنش‌زدایی در سیاست خارجه، اعتمادسازی و تعامل با جامعه جهانی می‌تواند در حل مشکلات کشور نقش آفرین باشد. نظر حضرت‌تعالی در این خصوص چیست؟

«رهبر معظم انقلاب»: تفاهم و همدلی ما با دنیا و سیاست تنش‌زدایی که با هر کسی که در صدد تنش با ما نباشد، ما با او در صدد تنش نیستیم و با هر کسی که میل به همکاری با ما داشته باشد، همکاری میکنیم، چیزی است که همه دنیا این را میدانند. مواضع ما مواضع روشنی است. ۸۰/۱۲/۲۷ [لکن] مسأله این است که وقتی تفکر اسلامی و پایه‌ی اسلامی به مرحله‌ی عمل رسید و بنا شد نظام حکومتی تشکیل دهد، این با خطکشیها و محاسبات رایج نظم مادی جهان ناسازگاری خواهد داشت؛ این چیز قهری و طبیعی است. هر قدر هم ما ظواهر سیاسی را درست کنیم و تنش‌زدایی و امثال آن را مطرح کنیم، مشکل اساسی آنها را از بین نمی‌برد. ۸۳/۱۲/۲۷ بنده موافق نیستم که تعبیر دروغین «جامعه‌ی جهانی» را در مقابل جمهوری اسلامی - که دشمنان ما به کار می‌برند - به کار ببریم؛ ۹۳/۲/۳۱ خارجه‌ها هم همین جور دچار توهمند. الفاظ در غیر معانی خودشان به کار می‌روند. سردمداران کشورهای مستکبر - چند تا دولت مستکبر - مینشینند درباره‌ی نظام جمهوری اسلامی اظهار نظر میکنند و اینجور وانمود میکنند که جامعه‌ی جهانی با جمهوری اسلامی مخالف است. کدام جامعه‌ی جهانی؟ کدام جامعه‌ی جهانی با جمهوری اسلامی مخالف است؟ چهار تا، پنج تا دولت مستکبر - که غالباً ملت‌های خودشان هم حرف آنها را قبول ندارند - با نظام اسلامی، با جمهوری اسلامی مخالفند. نظامهایی که در پنجه‌ی کمپانی‌دارهای صهیونیست است، توی مشت زالوهای بین‌المللی است، البته که با جمهوری اسلامی - که فریاد عدالت سر داده است - مخالفند؛ باید هم مخالف باشند. آن روزی که شبکه‌ی اختاپوسی سرمایه‌داری جهانی از ما تعریف کند و با ما مخالف نباشد، آن روز ما باید عزا بگیریم ۸۸/۱۱/۲۸

جامعه‌ی جهانی ملت‌ها هستند، جامعه‌ی جهانی دولتهای مظلومی هستند که جرأت و دلیری اظهار مخالفت را ندارند و اگر فضا پیدا کنند، آنها هم مخالفت خواهند کرد. جامعه‌ی جهانی دانشمندان و اندیشمندان و متفکران و عالمان و خیرخواهان و آزادی‌خواهانی هستند که در همه‌ی دنیا متفرقتند و حقیقت را می‌فهمند و آن را ستایش میکنند. ۹۳/۲/۳۱ می‌گویند ایران باید اعتماد جامعه‌ی جهانی را جلب کند... یعنی اعتماد ما را، یعنی اعتماد آمریکایی‌ها را! ما نمی‌خواهیم اعتماد آمریکا را جلب کنیم. ما اصلاً به اعتماد آمریکا هیچ احتیاجی نداریم. ما نیاز

نداریم شما به ما اعتماد کنید؛ اعتماد شما به ما، هیچ اهمیتی برای ما ندارد. ما هم به شما اعتماد نداریم، مردمتان هم به شما اعتماد ندارند. ۹۳/۹/۶ در همان روزهای پیروزی انقلاب هم یک نظریه این بود که ما به نحوی با استکبار کنار بیاییم؛ کسانی که این نظریه را بیان می‌کردند، آدمهای بدی نبودند؛ بلکه ساده‌اندیش بودند و می‌گفتند کنار بیاییم تا ضرر آنها را از خود دفع کنیم؛ اما پاسخ این سؤال را نمی‌دانند که این کنار آمدن و کوتاه آمدن و عقب‌نشینی کردن سنگر به سنگر تا کجا باید ادامه پیدا کند؛ ملت ایران باید چه کار کند که آمریکا از او راضی شود؛ چقدر باید از ارزشهای خود صرف‌نظر کند تا آمریکا بگوید دیگر با شما کاری ندارم؟ شاید بعضی از آنها حتی فکر نمی‌کردند که استکبار به حدی هم قانع نیست. در جنجال اخیر فعالیتهای هسته‌ای ایران [مربوط به ابتدای دهه ۸۰ شمسی] دیدید که قدم به قدم شروع کردند به جلو آمدن؛ اول گفتند ایران باید پروتکل الحاقی را قبول کند؛ بعد گفتند باید فلان اطلاعات را بدهد؛ بعد پا را فراتر گذاشتند و گفتند اصلاً ایران نباید فناوری هسته‌ای داشته باشد! عقب‌نشینی در مقابل مجموعه‌ای که زور مادی دارد، اما مطلقاً ذخیره اخلاقی در وجودش نیست تا از این زور به شکل ظالمانه استفاده نکند، راه علاج نیست. راه علاج، منحصر شده بود در مقاومت. ۸۲/۷/۲۲

«مقاومت»: این روحیه انقلابی چگونه با سیاست «نرمش قهرمانانه» که مورد تأیید و تأکید حضرت‌تعالی است، جمع می‌شود؟

«رهبر معظم انقلاب»: نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه نیایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمانها باشد؛ ۹۲/۶/۱۴ این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و یک جاهایی به دلیل فتنی نرمشی نشان میدهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار میکنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله‌ی طرف آنها کجای مسئله است؛ ۹۲/۶/۲۶ ما تعبیر "نرمش قهرمانانه" را به کار بردیم؛ یک عده‌ای آن را به معنی دست برداشتن از آرمانها و هدفهای نظام اسلامی معنا کردند؛ بعضی از دشمنان هم همین را مستمسکی قرار دادند برای اینکه نظام اسلامی را به عقب‌نشینی از اصول خودش متهم کنند؛ اینها خلاف بود، اینها بدفهمی است. نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است؛ به معنای این است که سالک راه خدا - در هر نوع سلوکی - به سمت آرمانهای گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت میکند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود. و مَنْ يُولِهِمْ يُومِتْ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ؛ [سوره مبارکه انفال] / آیه ۱۶؛ ترجمه: و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند - مگر آنکه هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد - (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او جهنم، و چه بد جایگاهی است! هرگونه حرکتی - چه حرکت به جلو، چه حرکت به عقب - مثل میدان رزم نظامی، باید به دنبال رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده باشد. ۹۲/۸/۲۹

اگر روحیه‌ی انقلابی را از دست دادیم، در دنیا پیش نمی‌رویم... آن چیزی که این نظام را عظمت می‌بخشد و قدرت می‌دهد و برای آن احترام برانگیز است و به طور ناخواسته‌ی دشمنان، موجب می‌شود راه‌ها روی نظام باز شود، کوشش و حضور انقلابی و تمسک به اندیشه‌های انقلابی

نودم. نه از باب یک توهم بلکه از باب تجربه؛ تجربه کردیم. ۹۴/۱/۲۰ تجربه‌های گذشته‌ی ما نشان می‌دهد که گفتگو در منطق حضرات آمریکائی به این معنی نیست که بنشینیم تا به یک راه حل منطقی دست پیدا کنیم — منظورشان از گفتگو این نیست — منظورشان از گفتگو این است که بنشینیم حرف بزیم تا شما نظر ما را قبول کنید! هدف، از اول اعلام شده است؛ باید نظر طرف مقابل قبول شود. لذا ما همیشه اعلام کردیم و گفتیم که این، گفتگو نیست؛ این، تحمیل است... ۹۲/۱/۱ [در همین مذاکرات اخیر] طرف ایرانی، برخی از کارهایی که می‌توانست او را به توافق نزدیک کند انجام داده است. کارهای متعددی را انجام داده: گسترش و توسعه‌ی ماشین‌های غنی‌سازی را متوقف کرده، خب این را لازم دانستند که یک برهه‌ای متوقف کنند؛ تولید اورانیوم بیست درصد را — که یک کار بسیار بزرگی است رسیدن به دانش و فناوری بیست درصد، کار بسیار بزرگی بود؛ این را کسانی که اهل فنند میدانند که رسیدن از پنج درصد به بیست درصد، اهمیتش خیلی بیشتر است از رسیدن از بیست درصد به بالا؛ این کار بزرگ را جوانان ما و فناوریان متعهد ما انجام دادند — متوقف کردند، اقتضای مذاکره این بود که متوقف بکنند؛ کارخانه‌ی اراک را که یکی از کارهای بسیار بزرگ و مهم فناوری و یک هنر بزرگ فناوری است، فعلاً متوقف کرده‌اند؛ فردو را که یکی از برترین ابتکارهایی است که نیروهای ما و عناصر داخلی ما آن را برای امنیت دستگاه‌های ساترنیویژ ما توانستند تأمین بکنند و تضمین بکنند، فعلاً متوقف کرده‌اند. این همه کارهای بزرگ انجام داده‌اند، طرف ایرانی بنا بر این منطقی عمل کرده است، طبق منطق مذاکره عمل کرده است؛ **طرف مقابل زیاده‌خواهی میکند،** پررویی میکند، باج‌خواهی میکند؛ ...هیچ کجا جمهوری اسلامی بی‌منطقی نشان نداده است؛ در این قضیه هم با منطق دارد حرکت میکند. منتها طرف مقابل منطقی سرش نمی‌شود؛ ۹۲/۱۱/۱۹ با کمال وقاحت [هم] می‌گویند «**اگر در قضیه‌ی هسته‌ای ایران کوتاه هم بیاید، تحریمها یکجا و همه برداشته نخواهد شد**»، این را صریح دارند می‌گویند. این نشان‌دهنده‌ی این است که به این دشمن نمی‌شود اطمینان کرد نمی‌شود اعتماد کرد. من با مذاکره کردن مخالف نیستم؛ مذاکره کنند؛ تا هروقت می‌خواهند مذاکره کنند؛ من معتقدم باید دل را به نقطه‌های امیدبخش حقیقی سپرد، نه به نقطه‌های خیالی، آنچه لازم است این است ۹۲/۱۰/۱۷ آن کسانی هم که در درون مجموعه‌ی روشنفکری کشور هنوز ملتفت نبودند که طرف مقابلشان — آمریکا — کیست، خوب است نگاه کنند به این مذاکرات و بفهمند با چه کسی مواجهند و آمریکا امروز در دنیا چه دارد انجام می‌دهد ۹۴/۱/۱

«مقاومت»؛ با این اوصاف پایان مذاکرات را چگونه می‌بینید؟
«**رهبر معظم انقلاب**»؛ بنده عقیده‌ام این است که اگر حتی در مسئله‌ی هسته‌ای هم همان‌جور که آنها دیکته میکنند ما پیش برویم و قبول کنیم دیکته‌ی آنها را، باز هم حرکت مخرب آنها و **تحریمهای آنها برداشته نخواهد شد**؛ انواع و اقسام مشکلات را باز هم درست میکنند؛ چون با اصل انقلاب مخالفند. ۹۳/۱۱/۲۹ تحریمها علیه ما، قبل از اینکه اصلاً مسئله‌ی انرژی هسته‌ای مطرح هم بشود وجود داشت، بعد از این هم وجود خواهد داشت. این مسئله‌ی هسته‌ای و این مذاکرات اگر ان‌شاءالله به نقطه‌ی حلی برسد، باز خواهید دید **همین فشارها وجود خواهد داشت**، باید در مقابل این فشارها مصونیت‌سازی کرد، باید به بنای داخلی استحکام‌بخشی کرد. اقتصاد را باید قوی کنیم تا دشمن از تأثیرگذاری از این ناحیه مأیوس بشود؛ ۹۲/۱۲/۲۰

«مقاومت»؛ چرا حضرت‌تعالی با وجود بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به غرب و آمریکا با برنامه مذاکرات هسته‌ای دولت موافقت کردید؟ برخی این موافقت را ناشی از استیصال نظام در برابر مشکلات اقتصادی تحلیل کرده‌اند.

«**رهبر معظم انقلاب**»؛ ما قبلاً هم اعلان کردیم، قبل از این حرفها هم ما گفتیم [که] نظام جمهوری اسلامی درباره‌ی موضوعات خاصی که مصلحت بداند، با این شیطان برای رفع شر او و برای حل مشکل، مذاکره میکند؛ معنای این آن نیست که این ملت مستأصل شده

دارد به کار بندند اما نباید نیازمندی‌های کشور و برخی مسایل همچون تحریم‌ها، به مذاکره گره زده شود. ۹۳/۲/۲۱ فکر اساسی این است که کاری کنید که کشور از آخم دشمن ضربه نبیند، از تحریم دشمن لطمه نخورد؛...والاً اگر چنانچه چشم ما به دست دشمن باشد که «آقا، اگر این کار را نکردی تحریم باقی میماند» [فایده‌ای ندارد]؛ ۹۳/۱۰/۱۷ من بارها این را عرض کردم در جلسات عمومی و همچنین در جلسات خصوصی با مسئولین دولتی، نگاهشان به دست بیگانه نباشد. بله، امروز دشمنان برای ملت ایران با تحریم مشکل درست کردند؛ خب، حالا اگر آمدند شرط برداشتن تحریم را یک چیزی قرار دادند که شما غیرت نمی‌کنید که آن را انجام بدهی؛ چه کار میکنید؟ شرط می‌گذارند دست از اسلام بردارید، دست از استقلال بردارید، دست از حرکت به سوی علم بردارید، دست از فلان پدیده‌ی افتخارآمیز بردارید تا ما تحریم را برداریم؛ شما چه کار میکنید؟ قطعاً قبول نمی‌کنید. یقیناً هیچ مسئولی در کشور قبول نمی‌کند که شرط برداشتن تحریمها، مثلاً فلان مسئله‌ی اساسی و فلان مسئله‌ی آرمانی باشد. البته دشمن فعلاً نمی‌آید با آرمانها، معارضه‌ی صریح بکند؛ چرا، اگر ما عقب‌نشینی کردیم، به‌صراحت هم میرسد؛ اما امروز این‌جور نیست که دشمن صریح بیاید با آرمانها معارضه بکند و شرط قرار بدهد لکن باید هوشیار بود؛ فهمید که این پیشنهاد، این حرف، این اقدام از سوی دشمن با چه هدفی دارد انجام می‌گیرد. خب، هیچ مسئولی معلوم است که راضی نیست و موافق نیست که در مقابل دشمنان کوتاه بیاید و برای اینکه مثلاً تحریمها برداشته بشود یا کم بشود، از آرمانها دست بردارند؛ خیلی خب، حالا که این‌جور است، پس شما بیاید کاری کنید که کشور در مقابل تحریمها مصونیت پیدا کند؛ ۹۳/۱۰/۱۷ [و گرنه] مذاکره در عرف آمریکائیا و قدرتهای سلطه‌گر به معنای این است که بیاید بنشینیم گفتگو کنیم تا شما حرف ما را قبول کنید — هدف مذاکره این است — نمی‌گویند بیائیم بنشینیم مذاکره کنیم تا ایران ادله‌ی خودش را بیان کند، ما از فشار روی مسئله‌ی هسته‌ای دست برداریم، از تحریم دست برداریم، از دخالت‌های امنیتی و سیاسی و غیره دست برداریم؛ می‌گویند بیاید مذاکره کنیم تا ایران حرف ما را قبول کند؛ خب، این مذاکره که به درد نمی‌خورد؛ این مذاکره که به جانی نمی‌رسد. حالا گیرم دولت ایران رفتند نشستند با آمریکائیا مذاکره کردند. وقتی هدف این است، این چه مذاکره‌ای است؟ خب، معلوم است که ایران از حقوق خودش دست‌بردار نیست. هر جایی که در اثنای مذاکره ببینند طرف مقابل یک حرف منطقی‌ای می‌زند و آنها کم می‌آورند، در مقابل ایران همان‌جا مذاکره را قطع میکنند؛ می‌گویند ایران حاضر نیست حرف بزند! شبکه‌های خبری و سیاسی هم دست آنهاست؛ تبلیغات میکنند. این را ما تجربه کردیم. در این ده پانزده سال گذشته، دو سه مرتبه اتفاق افتاد که آمریکائیا سر یک موضوع مشخصی به مسئولین ما پیغام دادند، اصرار کردند که یک امر خیلی لازم فوری فوتی واجبی است، بیاید بنشینیم یک صحبتی بکنیم. خب، مأمورین دولتی — معمولاً یک نفر، دو نفر — رفتند یک جایی نشستند صحبت کردند؛ بمجرد اینکه حرف منطقی اینها بیان شد و آنها جوابی نداشتند، یکجانبه مذاکره‌ها قطع شد! البته استفاده‌ی تبلیغاتیشان را هم کردند. این، تجربه‌ی ماست. خب، «**من جَرَبَ المَجْرَبَ حَلَّتْ به الندامة**» ۹۱/۱۱/۲۸ بزرگ‌ترین مسئولیتهای مسئولین کشور همین است که کاری کنند اگر دشمن دلش نخواست تحریم را بردارد، به رونق کشور و پیشرفت کشور و رفاه مردم ضربه‌ای وارد نشود؛ راه آن چیست. راه آن این است که مراجعه کنیم به درون کشور، به درون ملت، از نیروهای درونی کشور استفاده کنیم و راههایی وجود دارد؛ آدمهای صاحب‌نظر، آدمهای کارشناس و بااخلاص، گواهی می‌دهند که راههایی وجود دارد که انسان بتواند به خودش متکی باشد. این وظیفه‌ی مسئولین کشور و مسئولین دولتی است، چشم ندوزند به دست بیگانه ۹۳/۱۰/۱۷

«مقاومت»؛ شاید با پذیرفتن بخشی از برنامه طرف مقابل و تعلیق برخی از فعالیت‌ها بتوانیم شاهد گام‌های متقابل از جمله کاهش تحریم‌ها و ... باشیم.

«**رهبر معظم انقلاب**»؛ طرف مقابل بشدت اهل فریب و دروغ و نقض‌عهد و حرکت در خلاف جهت صحیح است؛ طرف مقابل این‌جوری است...من هیچ‌وقت نسبت به مذاکره‌ی با آمریکا خوش‌بین

است. این را باید در همه‌ی کارهای دیپلماسیمان، حتی در حرف زدنها و مصاحبه کردنها، حفظ کنیم. یکی از خصوصیات این روحیه، پرهیز از حالت دفاعی در مسائل سیاسی است. **هیچ موضع دفاعی‌ای، موضع خوبی نیست**؛ موضع بسیار بدی است. موضع، باید موضع قوی و متعاضانه‌ای باشد. در همه‌ی مسایلی که دنیا به شما تعرضی می‌کند و تلنگری می‌زند، مشت بزنید...[البته] **نمی‌خواهم بگویم تندیهای بی‌وجه بکنید** و بگویید: فلانی می‌گوید فحش بدهید. نخیر، اشتباه نشود. در مسائل دیپلماسی و در سخنرانی، در این‌جا و آن‌جا، نه من خودم اهل فحش دادن هستم و نه این را به دیگران توصیه می‌کنم. من می‌گویم: **شما تیزتر از شمشیر و نرمتر از حریر و سخت‌تر از سنگ و پولاد باشید. واقعاً دیپلماسی، دیپلماسی میدان نرمشهای قهرمانانه است. نرم باشید؛ منتها نرمشی که تیز است.** ۷۵/۵/۱۷

«مقاومت»؛ این نگاه ارزشی مانع استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی و انزوای ما نخواهد شد؟

«**رهبر معظم انقلاب**»؛ [خیر!] این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی خودمان پایند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب می‌مانیم؛ ابدأ. در این دوره‌های مختلف، بوده‌اند کسانی در عرصه‌ی دولتی خودمان، در بخشهایی از دیپلماسی و غیر دیپلماسی و حتی در بخشهایی از روحانیت خودمان، که در این مسائل تردید پیدا کردند که حالا پابندیهای ارزشی ما چقدر اجازه می‌دهد که ما در زمینه‌ی دیپلماسی موفق باشیم. نه، ما تجربه کردیم، دیدیم هرچه پابندی ما بیشتر باشد، هیبت جمهوری اسلامی در چشم طرف مقابل بیشتر خواهد شد؛ ۹۰/۱۰/۷ دیپلماسی ما باید با روحیه‌ی انقلاب همراه باشد — یعنی اسلام انقلابی — این است که به ما بُرُش می‌دهد. امروز ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی خوششان می‌آید، به خاطر موضع مستقل اسلامی شجاعانه‌اش؛ این باید محفوظ باشد. در جاهای مختلف دنیا، مردم از مسئولان جمهوری اسلامی که این شجاعت را، این استقلال را، این نترسی را بیشتر بروز میدهند، بیشتر خوششان می‌آید. خب، این نشانه‌ی این است که راه این است. ۹۲/۶/۳ [علاوه بر این] **انزوا به معنای دیپلماتیک و رایج آن در دنیا، آن‌چنان مضر نیست** که انزوای از ملت‌ها مضر است. امروز آمریکا به حسب ظاهر منزوی نیست؛ حضور سیاسی و حتی حضور نظامی او در همه جای این منطقه محسوس است؛ اما در حقیقت منزوی است؛ چرا؟ چون ملت‌ها که تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌اند، همه از حضور آمریکا و سیاست‌های آمریکا متنفر و بیزارند؛ این انزوا مضر است. جمهوری اسلامی در دنیای اسلام این انزوا را ندارد. شما الان هر جای دنیای اسلام بروید، خواهید دید که مردم دل‌هایشان برای جمهوری اسلامی می‌تپد؛ این واقعیت است. امروز در سرتاسر دنیای اسلام، جمهوری اسلامی مطرح است؛ علت هم این است که بر سر حرف و شعار اصلی خود — که اسلام است — ایستاده است.. ۸۳/۱۲/۲۷ [آری!] برای خلیفه‌ها که بین انقلابیگری و برخورد منطقی منافات می‌بینند، عمل انقلابی همراه با تشکیلاتی منطقی و دقیق و حساب شده، قابل جمع نیست. ما مشاهده می‌کنیم که اینها می‌تواند با هم جمع شود. انقلابیگری به این نیست که ما آن جایی که نباید پرخاش کنیم، بیخودی پرخاش کنیم. انقلابیگری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرتها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به ممشای انقلابی و اسلامی توجه کرده‌ایم... ۶۸/۵/۳۱

«مقاومت»؛ ظرفیت مذاکرات هسته‌ای را برای کاهش تحریم‌ها، چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

«**رهبر معظم انقلاب**»؛ من همواره طرفدار ابتکار در سیاست خارجی و مذاکره بوده و هستم و توصیه‌ی همیشگی من به مسئولان این بوده که در سیاست خارجی و مبادلات بین‌المللی هرچه تلاش و ابتکار وجود

حق غنی‌سازی او — که حق طبیعی‌اش است — از طرف دنیا شناخته شود؛ مسئولان کشورهای که مدعی هستند، اعتراف کنند که ملت ایران حق دارد غنی‌سازی هسته‌ای را برای اهداف صلح‌آمیز در کشور خودش و به دست خودش انجام دهد؛ این توقع زیادی است؟ این آن چیزی است که ما همیشه گفته‌ایم؛ آنها همین را نمی‌خواهند ۹۲/۱/۱

«مقاومت»: به عبارت دیگر مانع اصلی در حل و فصل مسأله هسته‌ای خود دولت آمریکا است؟

«رهبر معظم انقلاب»: پیشنهاد مذاکره از سوی آمریکایی‌ها، یک تاکتیک آمریکائی و برای فریب دادن افکار عمومی است؛ افکار عمومی دنیا و افکار عمومی مردمان ۹۲/۱/۱ آنها می‌گویند ما نگرانی داریم که شما به سمت تولید سلاح هسته‌ای بروید — چندان کشور هم بیشتر نیستند، که اسم آوردم؛ اسم خودشان را می‌گذارند "جامعه‌ی جهانی"! — می‌گویند جامعه‌ی جهانی نگرانی دارد. نخیر، جامعه‌ی جهانی هیچ نگرانی‌ای ندارد. اکثر کشورهای دنیا طرف جمهوری اسلامی هستند و از خواسته‌ی ما حمایت می‌کنند؛ چون خواسته‌ی باحقی است. آمریکائی‌ها اگر می‌خواستند مسئله حل شود، این راه حل بسیار آسانی بود؛ می‌توانستند به حق غنی‌سازی برای ملت ایران اعتراف کنند؛ برای اینکه نگرانی‌ای هم از آن جهت نداشته باشند، می‌توانستند مقررات قانونی آژانس هسته‌ای را هم اعمال کنند؛ ما هم از اول هیچ مخالفتی با اعمال این نظارت‌ها و مقررات نداشتیم. هر وقت نزدیک به راه حل می‌شویم، آمریکائی‌ها یک سنگی می‌اندازند که جلوی راه حل گرفته شود. هدف آنها طبق تلقی و برداشتی که من دارم، این است که می‌خواهند این قضیه باقی بماند تا بهانه‌ای باشد برای فشار؛ ۹۲/۱/۱. اگر آمریکائی‌ها صادقانه می‌خواهند کار تمام شود، بنده راه حل را ارائه می‌دهم. راه حل این است: آمریکائیها از دشمنی با جمهوری اسلامی دست بردارند، از دشمنی با ملت ایران دست بردارند. پیشنهاد مذاکره، حرف منطقی و متین و مستدلی نیست؛ حرف درست این است. اگر می‌خواهند مشکلات فیما بین وجود نداشته باشد — که می‌گویند ما می‌خواهیم بین ایران و آمریکا مشکلی وجود نداشته باشد — دست از دشمنی بردارند.

«مقاومت»: حضرتعالی در یکی از بیانات فرمودید که مسئولین امر از فرزندان انقلاب هستند و به آنها اعتماد دارید. با وجود اعتمادی که ملت به واسطه فرمایش شما به هیئت مذاکره‌کننده دارند، باز هم جای نگرانی وجود دارد؟

«رهبر معظم انقلاب»: همان‌طور که عرض کردم بنده به مجریان امر اعتماد دارم... این آقایانی که مشغول کار هستند، اینها افرادی هستند مورد اعتماد ما، من در مورد آنها هیچ تردیدی ندارم؛ در آنچه تا حالا بودند، ان‌شاءالله بعد از این هم تردیدی به‌وجود نخواهد آمد؛ هیچ تردیدی نسبت به آنها ندارم. ۹۴/۱/۲۰ هیچ‌کس نباید این مجموعه‌ی مذاکره‌کنندگان ما را با مجموعه‌ی شامل آمریکا — همان شش دولت، به‌اصطلاح پنج بعلاوه‌ی یک — سازش کار بدانند؛ این غلط است؛ اینها مأموران دولت جمهوری اسلامی ایران هستند، اینها بچه‌های خودمان هستند... ۹۲/۸/۱۲، در عین حال من نگرانم؛ چون طرف مقابل، طرف حیل‌گری است. از جمله‌ی چیزهایی که غالباً پنهان می‌ماند از چشم‌ها، حیل‌گری اشخاص یا جهاتی است که دارای ظاهر بزرگ و فرهیخته هستند؛ آدم فکر نمی‌کند که اینها هم حیل‌گر باشند. خب امروز آمریکا ظاهر فرهیخته دارد؛ قدرت مالی، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت نظامی، قدرت امنیتی، و غفلت می‌شود از اینکه همین دستگاه صاحب قدرت، اهل مودی‌گری‌های آدم‌های ضعیف هم باشد، ولی هست؛ اهل حیل‌گری است، اهل خدعه است، اهل خنجر از پشت زدن است؛ این‌جوری است. ما نباید این‌جور تصور بکنیم که حالا اینها چون مثلاً بمب اتم دارند یا وسایل نظامی قدرتمندی دارند، بنابراین احتیاجی ندارند به اینکه دست به حیل و خدعه بزنند؛ نه، اتفاقاً احتیاجشان هم زیاد است و عمل هم می‌کنند و واقعاً خدعه‌گری می‌کنند؛ این ما را نگران می‌کند. باید مراقب شگردهای دشمن باشیم. هر وقتی که یک زمان معین شده است برای پایان مذاکرات و ما به این

می‌تواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند؛ اصلاً امکان ندارد. خیلی از تصمیم‌های اقتصادی ممکن است گرفته شود، رهبری قبول هم نداشته باشد، اما دخالت نمی‌کند؛ ۹۰/۷/۲۴ بنده به خیلی از این قوانینی که در مجلس تنظیم می‌شود، اعتقادی ندارم و آنها را قبول ندارم، ولی وقتی قانون شد، بنده هم به‌صورت یک قانون عمل می‌کنم و مخالفت نمی‌کنم. موارد متعددی پیش می‌آید از اقدام‌هایی که در دولت انجام می‌گیرد و مورد قبول من نیست؛ اما مسؤولانی دارد که تنظیم و تصمیم‌گیری کرده‌اند؛ وظیفه‌ی آنهاست... بعضیها خیال می‌کنند که این «ولایت مطلقه فقیه» که در قانون اساسی آمده، معنایش این است که رهبری مطلق‌النمان است و هر کار که دلش بخواهد، می‌تواند بکند! معنای ولایت مطلقه این نیست. رهبری بایستی موبه‌مو قوانین را اجرا کند و به آنها احترام بگذارد. ۸۲/۹/۲۶، بله، آنجائی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا می‌کند... در قضیه‌ی هسته‌ای، در آن دوره‌ی اول [دهه ۸۰ شمسی] که تلاطم‌هایی بود، بعضاً اقدام‌هایی انجام می‌گرفت که شاید مطلوب نبود. من آنجا در سخنرانی عمومی گفتم اگر چنانچه این کارها انجام نگیرد، خودم وارد می‌شوم. و همین هم شد. ۹۰/۷/۲۴ [امروز در بحث هسته‌ای] بنده در جزئیات مذاکره دخالتی نکردم، باز هم نمی‌کنم؛ من مسائل کلان، خطوط اصلی، چهارچوب‌های مهم و خط قرمزها را به مسئولین کشور همواره گفته‌ام؛ عمدتاً به رئیس‌جمهور محترم که ما با ایشان جلسات مرتب داریم، و موارد معدودی هم به وزیر محترم خارجه؛ خطوط اصلی و کلی. جزئیات کار، خصوصیات کوچک که تأثیری در تأمین آن خطوط کلان ندارد، مورد توجه نیست؛ اینها در اختیار آنها است، می‌توانند بروند کار کنند. اینکه حالا گفته بشود که جزئیات این مذاکرات تحت نظر رهبری است، این حرف دقیقی نیست.

[در خصوص توافقات صورت گرفته هم] نه موافقم، نه مخالف؛ چون هنوز اتفاقی نیفتاده است؛ هنوز کاری نشده. همه‌ی مشکل بر سر آن جزئیاتی است که بنا است بنشینند و یکایک آنها را بحث کنند؛ این را خود مسئولین هم گفته‌اند؛ هم به ما گفته‌اند، هم در مصاحبه‌هایشان به مردم این را گفته‌اند؛ همه‌ی مشکل بعد از این است. ممکن است طرف مقابل که یک طرف لجوج، بدعهد، بدعامله، اهل دبه در آوردن، اهل چک‌وچانه کردن، اهل از پشت خنجر زدن و اهل این‌جور کارها و سیاه‌کاری‌ها است، سر جزئیات بخواهد کشور ما را، ملت ما را، مذاکره‌کنندگان ما را در یک دایره‌ی محصور کند؛ ما هنوز هیچ چیز در اختیار نداریم، هیچ الزامی به‌وجود نیامده است. اینکه حالا تریک می‌گویند، به بنده تریک می‌گویند، به دیگران تریک می‌گویند، بی‌معنی است، چه تریکی؟ آنچه تا کنون انجام گرفته است نه اصل توافق و مذاکره‌ی منتهی به توافق را تضمین می‌کند، نه محتوای توافق را تضمین می‌کند؛ هیچ کدام را؛ حتی تضمین نمی‌کند که این مذاکرات تا به آخر برسد و به یک توافق منتهی بشود؛ اینکه تا الان انجام گرفته، این‌جوری است؛ همه چیز مربوط به بعد از این است. ۹۴/۱/۲۰

«مقاومت»: رییس‌جمهور آمریکا عنوان کرده است که حضرتعالی برخلاف حمایت و پشتیبانی از دولت و هیئت مذاکره‌کننده، نمی‌خواهید مسأله هسته‌ای در این مذاکرات حل و فصل شود. این تحلیل چقدر به واقعیت نزدیک است؟

«رهبر معظم انقلاب»: این دروغ است؛ در ایران هیچ‌کس نیست که نخواهد مسئله‌ی هسته‌ای حل بشود و با مذاکرات حل بشود ۹۴/۱/۱ بنده با توافقی که بتواند انجام بگیرد موافقم؛ البته توافقی بد نه. آمریکائی‌ها مکرر تکرار می‌کنند و می‌گویند «ما معتقدیم که توافق نکردن، بهتر از توافق بد کردن است»؛ بله، ما هم همین عقیده را داریم؛ ما هم معتقدیم که توافق نکردن، بهتر است از توافق بد، توافقی که به ضرر منافع ملی است، توافقی که موجب تحقیر ملت بزرگ و با عظمت ایران است. ۹۳/۱۱/۱۹ برداشت ما این است که آمریکا مایل به تمام شدن مذاکرات هسته‌ای نیست. آمریکائی‌ها دوست ندارند گفتگوهای هسته‌ای تمام شود و مناقشه‌ی هسته‌ای حل شود؛ وگرنه چنانچه آنها مایل به اتمام این مذاکرات و حل این مشکل بودند، راه حل، بسیار نزدیک و بسیار آسان بود. ایران در مسئله‌ی هسته‌ای، فقط می‌خواهد

است، ابدأ ۹۲/۱۰/۱۹. بعضی از مسئولین و دولتمردان — دولتمردان آن دولت، بعد هم دولتمردان این دولت — فکر می‌کنند در قضیه‌ی هسته‌ای ما با آمریکائی‌ها مذاکره کنیم [تا] موضوع حل بشود؛ گفتیم خیلی خب، اصرار دارید شما، در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید؛ ولی در همان سخنرانی اول امسال گفتم من خوشبین نیستم؛ مخالفتی نمی‌کنم اما خوشبین نیستم. ۹۲/۱۱/ ۲۸ ... ما هم به اذن‌الله ضرری نمی‌کنیم. یک تجربه‌ای در اختیار ملت ایران است — که حالا من مختصراً عرض خواهم کرد — این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد؛ مثل تجربه‌ای که در سال ۸۲ و ۸۳ در زمینه‌ی تعلیق غنی‌سازی انجام گرفت، که آن‌وقت تعلیق غنی‌سازی را در مذاکرات با همین اروپائی‌ها، جمهوری اسلامی برای یک مدتی پذیرفت. خب ما دو سال عقب افتادیم، لکن به نفع ما تمام شد. چرا؟ چون فهمیدیم که با تعلیق غنی‌سازی، امید همکاری از طرف شرکای غربی مطلقاً وجود ندارد. اگر ما آن تعلیق اختیاری را — که البته به‌نحوی تحمیل شده بود، لکن ما قبول کردیم، مسئولین ما قبول کردند — آن روز قبول نکرده بودیم، ممکن بود کسانی بگویند خب یک ذره شما عقب‌نشینی می‌کردید، همه‌ی مشکلات حل می‌شد، پرونده‌ی هسته‌ای ایران عادی می‌شد. آن تعلیق غنی‌سازی این فایده را برای ما داشت که معلوم شد با عقب‌نشینی، با تعلیق غنی‌سازی، با عقب افتادن کار، با تعطیل کردن بسیاری از کارها مشکل حل نمی‌شود؛ طرف مقابل دنبال مطلب دیگری است؛ این را ما فهمیدیم، لذا بعد از آن شروع کردیم غنی‌سازی را آغاز کردن... بنده همچنان که گفتم خوشبین نیستم؛ من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. ۹۲/۸/۱۲ [علت دیگر موافقت ما] شکستن فضای خصمانه جبهه استکبار بر ضد ایران [است] ... هدف آنها این است که با این بهانه، فضای بین المللی را بر ضد ایران حفظ کنند و بر همین اساس بود که با طراحی جدید دولت برای مذاکره درخصوص موضوع هسته‌ای موافقت شد تا این جو جهانی شکسته و ابتکار عمل از طرف مقابل گرفته شود و حقیقت نیز برای افکار عمومی دنیا مشخص شود. ۹۳/۱/۲۰

«مقاومت»: حضرتعالی بارها فرموده‌اید به مذاکرات خوش‌بین نیستید و از سوی دیگر از دولت و برنامه آن حمایت کردید. برای بسیاری از مردم این سوال مطرح است که آیا حمایت شما از دولت به معنای تأیید توافقات صورت گرفته است؟ آیا جزئیات مذاکرات تحت اشراف رهبری است و ایشان در تمام مراحل دخالت دارند یا خیر؟

«رهبر معظم انقلاب»: [اولاً] کسی را که مردم انتخاب کنند و رئیس‌جمهور قانونی کشور شود، همیشه مورد احترام و تکریم و حمایت جامع رهبری در همه‌ی دولت‌ها بوده؛ بعد از این هم باید باشد. ۸۴/۲/۱۱ همه‌ی دولت‌هایی که بعد از انقلاب سر کار آمدند، دولت‌های منتخب مردمند و بنده در همه‌ی این دوره‌ها — آن‌وقتی که مسئولیت داشتم — از همه‌ی این دولت‌ها حمایت کردم. ۹۳/۴/۱۶ البته چک سفید امضا هم به کسی نمی‌دهم. نگاه می‌کنم به عملکردها و برحسب عملکردها قضاوت می‌کنم و به توفیق الهی و به کمک الهی، برحسب عملکردها هم عمل خواهم کرد. ۹۴/۱/۱ [لکن] رهبری یک مدیریت است؛ البته مدیریت اجرایی نیست. این اشکال و اشتباه هم در طول زمان، از اول انقلاب تا امروز، در بعضی از تبلیغات ادامه دارد. این‌جور تلقی کنند که رهبری یک مدیریت اجرایی است؛ نه، مدیریت اجرایی، مشخص است... در واقع رهبری، یک مدیریت کلان ارزی است... بعضیها دوست میدارند همین‌طور بگویند؛ فلان تصمیم‌ها بدون نظر رهبری گرفته نمی‌شود. نه، این‌طور نیست. مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیت‌های مشخصی دارند. در بخش اقتصادی، در بخش سیاسی، در بخش دیپلماسی، نمایندگان مجلس در بخش‌های خودشان، مسئولان قوه‌ی قضائیه در بخش خودشان، مسئولیت‌های مشخصی دارند. در همه‌ی اینها رهبری نه

زمان نزدیک می‌شود، لحن طرف مقابل - بخصوص لحن آمریکایی‌ها - تندتر، سخت‌تر، خشن‌تر می‌شود: ۹۳/۱۲/۲۱

«مقاومت»: در این چند روز اخیر هم مقامات رسمی آمریکا مجدداً ایران را تهدید نظامی کرده‌اند. در چنین شرایطی روند مذاکرات را چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

«رهبر معظم انقلاب»: برنامه‌های دشمن اینهاست: فشار اقتصادی، تهدید نظامی، جنگ روانی برای اثرگذاری بر روی افکار عمومی؛ ۸۹/۵/۲۷ همین چندروزه، دو نفر از مقامات رسمی آمریکا تهدید نظامی کردند؛ حالا کار به آن افرادی که مسئولیت‌های خیلی مهم و حساسی دارند، نداریم. [اما] من نمی‌فهمم مذاکره در زیر شیخ تهدید چه معنایی دارد؟ مذاکره کنیم زیر شیخ تهدید! مثل اینکه یک شمشری بالای سر [ما باشد]. ملت ایران این جوری نیست؛ ملت ایران مذاکره‌ی زیر سایه‌ی تهدید را برنمی‌تابد. چرا تهدید میکنند؟ چرا غلط زیادی میکنند؟ می‌گویند اگر چنین نشود، چنان نشود، ممکن است ما حمله‌ی نظامی به ایران بکنیم؛ اولاً که غلط میکنید؛ ثانیاً من در زمان رئیس‌جمهور قبلی آمریکا - آن وقت هم تهدید میکردند - گفتم دوران بز و درر و تمام شده؛ این جور نیست که شما بگویید می‌زنیم و درمی‌رویم؛ نخیر، پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال میکنیم... مذاکره‌کنندگان ما هم توجه داشته باشند؛ خطوط قرمز و خطوط اساسی که گفته شده است، همواره در نظرشان باشد که البته لابد هست، ان‌شاءالله مورد نظرشان هست و از این خطوط عبور نخواهند کرد؛ اما این معنا هم قابل قبول نیست که آنها مدام بنشینند تهدید بکنند. چه تهدیدی؟ شما به این مذاکرات کمتر از ما احتیاج ندارید؛ بله، ما دوست داریم تحریمها برداشته بشود اما اگر تحریم هم برداشته نشود ما میتوانیم از طرق دیگری خودمان را اداره کنیم... دولت کنونی آمریکا به این مذاکرات نیاز واقعی دارد؛ اینها در کارنامه‌ی خودشان، یک نقطه‌ی اساسی که میتوانند مطرح کنند، این است که ما توانستیم جمهوری اسلامی ایران را بیاوریم سر میز مذاکره و فلان مطلب را به او تحمیل کنیم؛ اینها احتیاج دارند به این. اگر احتیاج طرف مقابل به این مذاکرات بیشتر از ما نباشد - که حتماً هست - لااقل کمتر از ما نیست؛ چرا تهدید میکنند؟ بنده با مذاکراتی که در زیر شیخ تهدید انجام بگیرد، موافق نیستم. بروند حرف بزنند، مذاکره کنند، به توافق برسند، اشکالی ندارد - البته درحالی‌که آن خطوط اصلی را رعایت کرده باشند - لکن به هیچ‌وجه تحمیل را قبول نکنند، زور را قبول نکنند، تحقیر را قبول نکنند، تهدید را قبول نکنند.

«مقاومت»: به موضوع اصلی بازگردیم. با توجه به نظر حضرت‌عالی در خصوص مذاکرات، حل معضلات اقتصادی و معیشتی مردم را باید در داخل کشور جستجو کرد. سیاست‌های کلان مورد نظر حضرت‌عالی در این خصوص چیست؟

«رهبر معظم انقلاب»: اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است ۹۳/۱/۱ تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد. ۹۳/۴/۱۶ اقتصاد مقاومتی برای کشور ضروری است؛ تحریم باشد هم لازم است، تحریم نباشد هم لازم است. آن‌روزی که تحریمی هم در این کشور وجود نداشته باشد، اقتصاد مقاومتی برای این کشور ضروری است، لازم است. اقتصاد مقاومتی یعنی ما بنای اقتصادی کشور را جوری تنظیم کنیم و ترتیب بدهیم که تکانه‌های جهانی در آن اثر نگذارد... اگر در کشور اقتصاد مقاومتی باشد، هیچ‌کدام از این تکانه‌های بین‌المللی نمیتواند به زندگی مردم آسیب وارد کند... ۹۳/۱۱/۲۹ از وقتی که این عنوان مطرح شده، شاید هزار مرتبه از طرف مسئولین - با کم و زیادش - تأیید شده؛ مسئولین مختلف، فعالان اقتصادی، حتی فعالان سیاسی، مسئولین دولتی، مجلس، غیره، مکرر گفته‌اند اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مقاومتی؛ خوب است؛ لکن با اسم و با تکرار زبانی هیچ اتفاقی نمی‌افتد؛ هیچ اتفاقی نمی‌افتد. با بردن اسم دارو و تکرار اسم دارو هیچ بیماری خوب نمیشود؛ دارو را باید مصرف کرد... ۹۳/۱۱/۶ ستون فقرات اقتصاد مقاومتی که ما عرض

کردیم، عبارت است از تقویت تولید داخلی؛ اگر این کار تحقق پیدا کرد و هم‌تتها متوجه به این مسئله شد، مسائل کار بتدریج حل میشود، کار ارزش پیدا میکند، کارگر ارزش پیدا میکند، اشتغال عمومی میشود، بیکاری که یک معضلی است در جامعه بتدریج کم میشود و از بین میرود. اساس کار، مسئله‌ی تولید است. ۹۴/۲/۹

«مقاومت»: به نظر حضرت‌عالی تقویت تولید داخلی با وجود تحریم‌های نفتی، بانکی و ... امکان پذیر است؟

«رهبر معظم انقلاب»: بنده انکار نمی‌کنم که این تحریم‌های ظالمانه‌ای که دشمنان ملت ایران و دشمنان انقلاب بر ملت ایران تحمیل کرده‌اند تأثیر دارد؛ بلاشک بی‌تأثیر نیست، منتها این را من انکار نمی‌کنم که این تحریمها بتواند جلوی یک تلاش عمومی سازمان‌یافته‌ی برنامه‌ریزی شده برای رونق تولید را بگیرد؛ این را من قبول ندارم. بنده نگاه میکنم به سطح کشور، میبینم در بخشهای مختلفی که اتفاقاً در بعضی از این بخشها فشار دشمنان و تحریم و امثال ذلک شدیدتر هم بوده است، به‌خاطر همت مسئولان و کارگران و جوانان علاقه‌مند، تولید پیش رفته است. این را من دارم مشاهده میکنم و میبینم؛ جلوی چشم همه است. فرض بفرمایید در زمینه‌ی صنایع نظامی... یا در زمینه‌ی علوم زیستی، زیست فناوری، ما پیشرفتهای زیادی کردیم؛ درحالی‌که همان محدودیتهای همان تحریمها وجود داشته است... یا در بعضی از علوم نو مثل فناوری نانو - که اینها جزو فناوری‌های جدید دنیا است - هیچ‌کس در دنیا به ما در این زمینه‌ها کمک نمیکند و کمک نکرده است، بعد از این هم کمک نخواهند کرد ما جلو هستیم؛ عناصر ما، جوانهای ما، محققین ما، دانشمندان ما در این زمینه‌ها دارند کار میکنند، تلاش میکنند، پیشرفتهای چشمگیری پیدا کرده‌اند. فرض بفرمایید در صنایع دانش‌بنیان؛ ... امروز ما در زمینه‌ی شرکتهای دانش‌بنیان [نسبت] به ده‌سال پیش و پانزده‌سال پیش خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اینها همه در حال تحریم اتفاق افتاده است... بله، اگر تحریم ظالمانه‌ی دشمنان وجود نداشت، ممکن بود ما در همین زمینه‌ها بیشتر پیش برویم - این را انکار نمی‌کنیم - البته ممکن هم بود که بی‌توجهی کنیم، نگاه نکنیم به نیازهای کشور و از پول نفت و واردات و امثال این چیزها به اموری بپردازیم که پیشرفت تولید را برای کشور به وجود نیاورد؛ این هم ممکن بود. یک مقدار واقعاً باید به این توجه کنیم که یک مقدار از پیشرفتهای ما بر اثر منع از بیرون بوده است؛ این را باید قدر بدانیم؛ ندادند، مجبور شدیم خودمان اقدام کنیم. وقتی راه واردات بی‌رویه باز بشود و هرچه خواستید بیاورید، سهل‌گرایی انسان، انسان را میکشاند به سمت تبلی، بیکارگی. این هم یک طرف قضیه است. بنابراین بنده تکیه‌ای که روی مسئله‌ی تولید میکنم، بایستی پاسخ داده بشود که تولید در شرایط تحریم سفت و سخت ممکن نیست؛ نه، ممکن است. هرکاری که شما تصمیم بگیرید انجام بدهید، همت کنید، نیروهایتان را بیاورید در صحنه، از خدای متعال هم کمک بخواهید، هدایت بخواهید، شدنی است؛ این را ما امتحان کردیم. ۹۴/۲/۹

«مقاومت»: در این صورت نیازمند یک همت عمومی است

«رهبر معظم انقلاب»: این کار، یک‌بعدی نیست؛ همه بایست با هم [همکاری کنند]... هم سرمایه‌گذار، هم کارگر، هم مصرف‌کننده، هم دستگاه‌های متولی دولتی، همه وظایفی دارند؛

۱. سرمایه‌گذار و کسانی که امکان دارند، بایستی سرمایه‌گذاری کنند. بنده می‌شناختم افرادی را که میتوانستند پولشان را ببرند در بخشهای پردرآمدی که غیر تولیدی است صرف کنند، نکردند؛ گفتند نمی‌کنیم؛ میخواهیم به کشور خدمت کنیم؛ آمدند در تولید سرمایه‌گذاری کردند، با سود کمتر، درآمد کمتر؛ برای خاطر اینکه فهمیدند کشور احتیاج دارد؛ خوب، این عبادت است.

۲. کارگر درستکار نقش دارد. کارگری که سختی‌های کار را تحمل میکند - کار سخت است دیگر؛ کار جسمانی یکی از امور سخت در زندگی است - کارگری که عمر خود را، وقت خود را، نیروی خود را صرف میکند تا کار را تمیز از آب دریاورد، دارد عبادت میکند؛ این حسنه است.

۳. مصرف‌کننده‌ی بانصاف، مصرف‌کننده‌ی باوجدان هم میتواند همین‌جور به تولید کشور کمک کند؛ دنبال اسم و رسم نروند، دنبال پرنده نروند - این حرفی که حالا مرتب تکرار میکنند: پرنده، پرنده - دنبال مارک نروند؛ دنبال مصلحت نروند. مصلحت کشور، مصرف تولید داخلی است، کمک به کارگر ایرانی است.

۴. یکی دیگر از ارکان، دستگاه مبارزه‌ی با قاچاق است. مسئله‌ی مبارزه‌ی با قاچاق را این‌همه ما تأکید کردیم؛ دولتهای مختلف از سالها پیش همین‌طور مرتب آمده‌اند رفته‌اند؛ خوب، این کار یک کاری است که باید تحقق پیدا کند و این هم ممکن است؛ نگویند نمیشود، کاملاً میشود؛ جلوی قاچاق را به‌طور قاطع بگیرند. بنده یک وقتی گفتم فقط سر مرز دنبال قاچاق نروید؛ میلیاردها دلار امروز در داخل کشور ... دارد صرف جنس قاچاق میشود. قاچاق را از لب مرز و از پیش از مرز تا داخل مغازه دنبال کنید. این، یک قلم بسیار مهم است؛ یک کار بسیار مهم است. و آن کسانی که این کار را بکنند، آنها هم دارند مجاهدت میکنند، آنها هم دارند عبادت میکنند؛ این هم حسنه است.

۵. یک رکن دیگر، دستگاه‌های متولی وارداتند. این دستگاه‌ها هم بایستی نگاه کنند. بعضی از چیزها هست که در اختیار دولت نیست؛ بخش خصوصی فعالیت میکند و چاره‌ای هم نیست، لکن دستگاه‌های دولتی میتوانند با نظارت هدایت کنند؛ کاری بکنند که مسئله‌ی واردات به تولید داخلی لطمه نزند.

۶. یکی هم مسئله‌ی مسئولیت دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌ها است. رسانه‌ها هم همین‌جور؛ صداوسیما، دیگران، بایستی روی مسئله‌ی مصرف داخلی و تولید داخلی به معنای واقعی کلمه کار کنند؛ اینها تأثیر می‌گذارد.

۷. یک مسئله مسئله‌ی ثبات در قوانین است که این به عهده‌ی مجلس است. مراقب باشند مدام قوانین مربوط به مسائل اقتصادی از جمله مسائل مربوط به کار را هرروز عوض و بدل نکنند که بشود آن کسانی که میخواهند برنامه‌ریزی کنند، برنامه‌ریزی کنند.

۸. متولیان فرهنگی کشور در نکوهش بیکاری و کم‌کاری و فرار از کار سخت، برای کار فرهنگی برنامه‌ریزی کنند. آقا جان! کار سخت را باید قبول کرد. اگر کار سخت را ما به خودمان تحمیل نکنیم، قبول نکنیم، به جایی نمیرسیم؛ فقط دنبال کار آسان که نمیشود رفت؛ باید انسان کار سخت را قبول کند؛ در هر جایی که هست. آن کسانی که توانستند در صنعت، در فناوری، در مسائل علمی به اوج برسند، کارهای سخت را بر خودشان تحمیل کردند. این، فرهنگ‌سازی لازم دارد. اینکه فقط دنبال کارهای آسان باشیم، کار پیش نمیرود.

۹. متولیان مبارزه‌ی با فساد هم در این زمینه نقش دارند. حالا اسم فساد زیاد آورده میشود. حرف زدن راجع به فساد که فایده‌ای ندارد؛ با «دزد دزد» گفتن، دزد از دزدی دست برنمی‌دارد؛ باید رفت، وارد شد. مسئولان کشور، روزنامه که نیستند که راجع به فساد حرف می‌زنند. بله، روزنامه راجع به فساد ممکن است حرف بزنند، من و شما که مسئول هستیم باید اقدام کنیم؛ حرف دیگر چیست؟ وارد بشوید؛ [اگر] بلدیم اقدام کنیم، جلوی فساد را به‌معنای واقعی کلمه بگیریم.

مشکل اقتصادی کشور اگر بخواهد حل بشود، باید روی تولید متمرکز شد. همه به همین شکلی که عرض کردیم، مسئولیت دارند؛ البته بعضی مسئولیتها سنگین‌تر است، بعضی سبک‌تر است اما همه این‌جوری مسئولند. کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست؛ در داخل کشور است. ۹۴/۲/۹

ادامه دارد...

برای دریافت و چاپ این گاهنامه با ما در ارتباط باشید:

* قم - مدرسه علمیه معصومیه (س) - دفتر بسیج
* سایت گروه‌های مقاومت: www.moqawemat.blog.ir
* پست الکترونیکی: sedayemoqawemat@gmail.com
* شبکه اجتماعی بیسفنون: ۰۹۱۹۶۶۳۹۳۹۶